

## آسیا (قاره)

آسیا، وسیع‌ترین و پرجمعیت‌ترین قاره زمین، با وسعتی قریب ۴۴ میلیون کم ۲، یعنی - از کل سطح زمین و بیش از ۲۷۲۲ میلیون نفر جمعیت (۱۹۸۲م)، واقع در نیمکره شمالی، از نزدیکی خط استوا تا نزدیکی قطب شمال؛ شمالی‌ترین حد این قاره، شبه‌جزیره تایمیر با ۷۷° و ۴۰° عرض در اقیانوس منجمد شمالی و جنوبی‌ترین نقطه آن، رأس شبه‌جزیره مالاکا با ۱° و ۱۶° عرض شمالی در نزدیکی خط استوا واقع است (نیف، ۲۱۱).

وجه تسمیه: منشأ نام آسیا به درستی معلوم نیست. بنا به روایت هرودوت (د ح ۴۲۵ ق م)، یونانیان تصور می‌کردند آسیا براساس نام پرومته نامگذاری شده است. در مقابل ایشان، لیدپاییها معتقد بودند نام آسیا از نام آسیس، پسر کوتیس، گرفته شده است (همو، ۲۸۵). متأخرین نام آسیا را مأخوذ از کلمه آسوری یا فنیقی آشویا یا آسو به معنای طلوع آفتاب و سرزمین واقع در شرق می‌دانند. در مقابل این لفظ، در همین زبانها، لفظ ارب، به معنای غروب آفتاب وجود دارد که از آن نام اروپا (اعتمادالسلطنه، ۶۴)، و عربستان (برونینگ، ۹) منشأ گرفته است.

### بخش اول - سیمای طبیعی

موقع جغرافیایی: آسیا از نظر اشکال گوناگون زمین و آب و هوا، متنوع‌ترین خشکی بزرگ زمین است و از دیدگاه ارتباط با سایر قاره‌ها دارای موقعیت ممتازی است. در جنوب غربی، اگرچه تعلق عربستان به قاره آسیا از لحاظ ساختمان طبیعی مورد تردید است، اما به لحاظ همبستگیهای فرهنگی، دریای سرخ و کانال سوئز را می‌توان مرز

آسیا با آفریقا دانست (برونینگ، ۱۰). مرز آسیا با اروپا نسبتاً مشخص‌تر است. مرز سنتی و قدیمی این دو قاره، کوه‌های اورال و دنباله شمالی آن، جزیره نوایازملیا (ارض جدید) است. البته، این مرز را نمی‌توان حدی شاخص بین دو قاره به شمار آورد. در همین زمینه، لفظ اوراسیا نشان می‌دهد که اروپا تنها شبه‌جزیره‌ای از آسیای بزرگ است (نیف، ۲۱۱). بخش جنوبی مرز آسیا و اروپا، یعنی تنگه داردانل و بوسفر و نیز دریای مرمره، به واسطه پیوندهای تاریخی - فرهنگی مشخص‌تر است (برونینگ، ۱۰). آسیا از طرف شمال شرقی تقریباً به سواحل آمریکای شمالی می‌رسد و تنگه باریک و کم‌عرض برینگ به عرض ۸۵ کم، این دو قاره را از یکدیگر جدا می‌سازد. در آسیای جنوب شرقی، مرز طبیعی و همچنین فرهنگی را می‌توان جزایر سوندا و هالماهرا به شمار آورد، زیرا گینه نو بر روی لبه فرو رفته قاره استرالیا قرار دارد و سکنه بومی آن از نظر نژادی و فرهنگی با سکنه عمدتاً مالائیزی این جزایر تفاوت دارند (همانجا).

زمین‌شناسی و اشکال ناهمواری: شالوده زمین‌شناسی آسیا را ۳ عنصر ساختاری گوناگون تشکیل می‌دهد. در شمال، شرق و بخش‌های مرکزی، توده‌های قدیمی مختلف، هسته اصلی قاره را می‌سازند که در زیر آنها، سیبری میانی (خشکی آنگارا) به عنوان اولین آنها شناخته شده و بزرگترین ناحیه را نیز در بر می‌گیرد (نیف، ۲۱۱؛ شاباد، ۱۰-۱۱). در مقابل این خشکی، در جنوب، توده‌های چین خورده هند و شبه‌جزیره عربستان، یعنی قسمتهایی از خشکی قدیمی گوندوانا قرار دارند (بلنک ۵۵؛ بومن، ۲۰-۲۳)، در میان این دو قسمت، کمربندی گسترده از رشته‌کوه‌های جوانتر مربوط به آخر مزوزوئیک که

در دوران سوم چین خورده‌اند، قرار گرفته است (بلنک، ۶۶ به بعد). در حالی که در دوره‌های اولیه زمین، توده‌های سخت و یخ بسته شمالی به واسطه کوه‌زایی به یکدیگر می‌پیوستند و هسته خشکی آسیا را می‌ساختند، در دوره ژوراسیک، قاره بزرگ جنوبی گوندوانا - که هند، عربستان، آفریقا و استرالیا را در بر می‌گرفت - درهم شکسته شد و قسمت‌های قاره‌ای امروزی پدید آمدند (نیف، ۲۱۲؛ اشمیدر، ۱۰-۱۱). فشار حاصل از نشست توده‌های رسوبی ژئوسنکلینال تتیس در دوران سوم، در چین خوردگی‌های شدید امروزی که از قفقاز تا آسیای جنوب شرقی امتداد دارند، اهمیت تعیین کننده‌ای داشته است (گروسه، ۵؛ بومون ۲۰).

آسیای شمالی و جنوبی در ابتدا به واسطه این روند تکتونیک، به صورت یک قاره مجزا درآمد. بخشی از مناطقی که پیشتر چین خورده بودند، به قطعات چندی تقسیم شدند و به صورت جزایر و سگوهایی درآمدند و با اصولاً به شکل پدیده‌هایی وسیع بالا آمدند یا فرو رفتند. البته، در این میان، توده‌های آتشفشانی از اعماق زیاد زمین فعالیت داشتند و با آتشفشانهای سطحی که امروزه هنوز فعال هستند، در ارتباط بوده‌اند. کوه‌زاییها به مرحله پایانی این چین‌خوردگیها مربوط بوده و عمدتاً در پلیوس آغاز شده‌اند (برونینگ، ۱۳). در نتیجه، به سبب این کوه‌زاییها، آسیای جنوبی، خاورمیانه خشک و گرم، آسیای مرکزی با زمستانهای خشک و سرد و قسمت‌های حاره و موسمی آسیای جنوب شرقی از یکدیگر مجزا شدند (بلنک، ۵۵). امروزه، همان‌گونه که زلزله‌های متعدد نشان می‌دهند، روند کوه‌زایی در آسیا هنوز ادامه دارد (نیف، ۲۱۳). کوه‌های چین خورده

جوان که در قاره آسیا به طور کلی از غرب به شرق کشیده شده‌اند، تکیه‌گاه واقعی این واقعی به شمار می‌آیند. این کوهها در غرب و بیشتر در آسیای مرکزی، دشتها و جلگه‌های مرتفعی را تشکیل می‌دهند که مهمترین عنصر ساختار سطحی زمین در آسیا هستند. این‌گونه اشکال، جلگه‌های متفاوتی از فلات تبت با ارتفاع را تشکیل می‌دهند که مهمترین عنصر ساختار و سطحی زمین در آسیا هستند. این‌گونه اشکال، جلگه‌های متفاوتی از فلات تبت با ارتفاع متوسط ۴۰۰۰ متر از سطح دریا تا چاله تورفان را که پایینتر از سطح دریا قرار گرفته است در بر می‌گیرند (ایست، ۲).

خشکیهای سکو مانند، عنصر دیگری از ساختار اشکال سطحی در آسیا به شمار می‌روند که در حاشیه کوههای چین‌خورده و جلگه‌های مرتفع قرار دارند. نمونه‌های مشخص آنها عبارتند از سکوی عربستان، سبیری و هند (برونینگ، ۱۳). در کنار این اشکال، دشتهای پست واقع در حاشیه که از نظر ساختار متفاوت هستند و به واسطه عبور رودخانه‌های بزرگ قطع می‌شوند، چشم‌اندازهای ویژه‌ای برای درپایی و توسعه فرهنگهای انسانی و فضای زیستی برای نیمی از جمعیت جهان فراهم آورده‌اند. این نواحی، پیش از همه عبارتند از دشتهای دجله و فرات، سند، گنگ و براهماپوترا که از دوران باستان دارای اهمیت بوده‌اند، و دشتهای رودخانه‌ای واقع در آسیای جنوب شرقی و آسیای جنوبی و همچنین دشتهای وسیع سبیری زمین‌شناسی و اشکال سطحی زمین نقش تعیین کننده‌ای به عهده دارد (لومون، ۲۵). بیش از هرجا، در جزایر ژاپن و آسیای جنوب شرقی، چشم‌اندازهای خاص آتشفشانی همراه با قتل خاموش یا فعال

وجود دارند. فعالیت این آتشفشانها، معمولاً با زلزله‌های دریایی و خشکی که صرفاً به علل تکتونیکی روی می‌دهند، همراه است و غالباً برای سکنه آنها خساراتی به بار می‌آورد (نیف، ۲۱۳؛ و آن، ۱۳-۱۷).

در آسیا، اشکال گوناگون ساحلی نیز، چه از نظر نحوه تشکیل و چه از نظر اهمیت، بسیار متنوعند (بلنک، ۷۷-۷۸؛ سینگ، ۱۱-۱۳؛ ایست، ۴۵۰-۴۵۱). براساس چنین ویژگی‌هایی، آسیا از لحاظ توده‌های کوهستانی و رشته‌کوههای منشعب از آنها در میان قاره‌ها منحصر به فرد است. تفاوت‌های شدید از نظر اشکال پستی و بلندی یعنی وجود سرزمینهای پست جلگه‌ای وسیع در کنار سرزمینهای مرتفع گسترده و رشته‌کوههای بلند و همچنین تأثیر جداسازنده این رشته‌کوهها، باعث شرایط خاص و تنوع اقلیمی این قاره شده است، به نحوی که در هیچ قسمت دیگری از کره زمین، این پدیده‌ها به این صورت در کنار یکدیگر مشاهده نمی‌شوند (گروسه، ۶-۸؛ برونینگ، ۱۰).

آسیا را از نظر اشکال پستی و بلندی، می‌توان به ۴ بخش تقسیم نمود: الف - زمینهای پست جلگه‌ای شمالی؛ ب - مثلث مرکزی کوهها و فلاتها؛ ج - فلات قدیمی جنوبی؛ د - دره‌های وسیع رودخانه‌ای (الوی، ۱۵۱).

بیشتر قاره آسیا کوهستانی است. تنها ۱/۴ آن جلگه‌ای و پست و بیش از ۱/۳ آن زیادتر از ۱۴۰۰۰ متر ارتفاع دارد (بروشرت، ۷/۲). جلگه‌های مرتفع و دشتهای پست، دورتادور توده‌های کوهستانی مرکزی را فرا گرفته‌اند. آسیا نه تنها مرتفع‌ترین قله جهان (همالییا با قله بسیاری بیش از ۸۴۰۰۰ متر ارتفاع و قله اورست به ارتفاع ۸۴۸۸ متر) را در خود

جای داده است (بلنک، ۲۸۲)، بلکه در حاشیه شرقی خود، عمیق‌ترین چاله‌های دریایی (چاله فیلیپین با ۱۰٬۵۱۶ متر عمق) را نیز داراست (نیف، ۲۹۰).

آب و هوا: با توجه به وسعت بسیار زیاد آسیا و تنوع شدید از نظر عوامل جغرافیایی مؤثر در شرایط آب و هوایی، مانند عوض جغرافیایی، پراکندگی و طرز قرار گرفتن ناهمواریها و دوری و نزدیکی به دریاها در این قاره انواع گوناگون آب و هوا مشاهده می‌شود (نیف، ۲۱۴). قله مرتفع آسیا از لحاظ اقلیمی در ناحیه یخ‌بندان دائمی قرار دارند. از سوی دیگر، قسمتهای وسیعی از جلگه‌های مرتفع تبت دارای ارتفاعی هستند که تراکم هوا در آنجا به نیمی از مقدار تراکم هوا در ارتفاع هم‌سطح دریا می‌رسد.

کوههای گسترده در قسمتهای مرکزی آسیا، به صورت دیواری از غرب به شرق، بخشهای وسیعی از شمال قاره را از آسیای جنوبی و نزدیک (خاورمیانه) جدا می‌سازد و بدین‌سان، یک خط تقسیم اقلیمی مشخص به وجود می‌آورد. سرزمینهای بلند و مرتفع با حواشی کوهستانی باعث ایجاد چشم‌اندازهای جلگه‌ای با انواع متباین آب و هوا می‌گردند (بلنک، ۷۶-۷۷). آسیا بیش از بقیه قاره‌ها دارای تنوع درجه حرارت است. این امر به علت موقع جغرافیایی این قاره و وسعت زیاد آن به عنوان یک خشکی به هم پیوسته است. سردترین نقاط جهان در آسیا قرار دارد. درجه حرارت در سیبری تا  $۸۸/۳^{\circ}$  - سانتی‌گراد (ورخویانسک) کاهش می‌یابد، هرچند درجه حرارت در تابستانهای کوتاه این منطقه تا  $۳۸^{\circ}$  سانتی‌گراد می‌رسد. در قسمتهای جنوبی‌تر نیز زمستانها بسیار



سرد است. به عنوان نمونه، در شرق دریاچه بالکال، درجه حرارت متوسط ژانوی/دی به  $30^{\circ}$  - سانتی‌گراد می‌رسد (بریتانیکا؛ پوکشیشفسکی، ۲۳۷؛ شاباد، ۲۶-۲۷).

از سوی دیگر، گرم‌ترین مناطق جهان نیز در آسیا واقع است. به عنوان نمونه، یعقوب‌آباد، واقع در مرز شرقی بلوچستان، بالاترین متوسط ماهانه کره زمین، یعنی  $36/5^{\circ}$  سانتی‌گراد را نشان می‌دهد (برونینگ، ۱۴).

قاره آسیا از نظر میزان بارندگی نیز بیشتر تفاوتها را نشان می‌دهد. بخشهای وسیعی از بین‌النهرین، عربستان و دشتهای آسیای مرکزی و نزدیک (خاورمیانه) دارای میزان بارشی کمتر از ۲۰۰ ملی‌متر سالانه هستند (فیشر، ۶۵-۶۸؛ شاباد، ۲۵). برعکس، در

چراپونچی آسام و در دامنه براهماپوترا، متوسط بارش سالانه به  $11430$  میلی‌متر می‌رسد (چادهوری، ۳۷).

وسعت بسیار زیاد و یکپارچگی قاره آسیا، به صورتی طبیعی باعث تعدیل جریان هوای جهانی می‌گردد. در این میان، پستی و بلندی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. از آنجا که بخش عمده شمال آسیا در منطقه بادهای غربی قاره‌ای قرار دارد، از آنجا که بخش عمده

شمال آسیا در منطقه بادهای غربی قاره‌ای قرار دارد، در زمستان به سبب نحوه تابش خورشید، یک منطقه فشار زیاد مداوم به وجود می‌آید که هوای شدیداً سرد را از طریق قله و گردنه‌های ارتفاعات به سوی دریای اُخوتسک و منچوری هدایت می‌کند. این منطقه

فشار زیاد، تنها در قسمتهای آزاد و باز آسیای شمالی به صورت بادهای شدید و توفان عمل می‌کند (نیف، ۲۲۱). آنتی‌سیکلونهای زمستانی آسیای شمالی در حاشیه شمالی

ارتفاعات عمل کرده و تنها در این قسمت‌ها باعث جریان هوای شرقی می‌گردند، اما این بادهای به سوی فلات تبت و کوه‌های مرتفع جریان نمی‌یابند. نواحی دستی منفرد، حوزه‌های هوای سرد زمستانی را می‌سازند که شدت سرما در این نواحی توسط ویژگی کوه‌ها و ارتفاعات پیرامونی تعیین می‌گردد (برونینگ، ۱۵). بادهای موسمی شمالی هندوستان و آسیای جنوب شرقی که در زمستان می‌وزند نیز به همین نحو هیچ‌گونه ارتباس مستقیم با آنتی‌سیکلون آسیای شمالی ندارند (بلنک، ۴۷ به بعد). در مقابل، بادهای موسمی شمال شرقی دریا‌های ژاپن و چین شمالی از منطقه فشار زیاد آسیای شمالی تغذیه می‌گردند (ایست، ۳۵۷؛ نیف، ۲۵۶).

هسته فشار زیاد هوای زمستانی، در قسمت شمالی کوهستان آلتای قرار دارد (برونینگ، ۱۵). بادهای زمستانی، بسیار خشک و سردند. این بادهای پس از عبور از روی دریا جذب رطوبت نموده، بدین‌سان باعث ریزش باران می‌گردند (برونینگ، ۱۶). بادهای موسمی زمستانی در آسیای جنوب شرقی، عامل اصلی بارندگی هستند. این بادهای سوماترا، بورنیو و جاوه، بادهای موسمی غربی تابستانی در هندوستان اشتباه گرفت (بلنک، ۴۷ به بعد).

در تابستان، یک منطقه فشار کم بر روی قاره آسیا به وجود می‌آید. تحت تأثیر این منطقه فشار کم، منطقه بادهای غربی ناحیه داخلی حاره به سوی قسمت‌های شمالی کشیده می‌شود. البته، تأثیر کمتر از ارتفاعات گاتهای غربی و هیمالیا را که باعث صعود بادهای موسمی تابستانی می‌شوند نیز باید در نظر داشت.



بادهای موسمی غربی به قسمتهای داخلی هندوستان، یعنی در مسافتی دورتر از هیمالیا نیز به صورت حاره‌ای می‌رسند. بارانهای موسمی، به شکل یک حادثه طبیعی، در زمانی خاص شروع می‌شود. بادهای موسمی تابستانی آسیای شرقی را گذشته از آن که بسیار ضعیف‌ترند، نباید با بادهای موسمی حاره‌ای آسیای جنوبی یکسان دانست (برونینگ، ۱۶). گذشته از بادهای متغیر و منظم آسیای جنوبی، باید از تایفونها (توفانها) نام برد. این بادهای در شمال استوا شکل گرفته و غالباً در جهت شمال غربی و شمال می‌وزند و سپس به سمت شمال شرقی و شرق، مسیر خود را تغییر می‌دهند. بادهایی مشابه، در دوره متغیر موسمی در دریای عمان و خلیج فارس، یعنی در ژوئن و اکتبر پدید می‌آیند. این نوع بادهای در خلیج بنگال طی ماههای ژوئیه و سپتامبر و در شرق دریای چین در سپتامبر شدت می‌گیرند (برونینگ، ۱۷).

آبها: به سبب وسعت زیاد اقلیم خشک در قسمتهای داخلی آسیا، این قاره بزرگ‌ترین حوضه آبریز داخلی در جهان به شمار می‌رود. این حوضه حدود ۱۳۰۰۰،۰۰۰ کیلومتر مربع، یعنی ۱/۳ خشکیهای جهان را در بر می‌گیرد (برونینگ، ۱۹). علاوه بر این، حوضه‌های کوچک‌تر در شبه‌جزیره عربستان و نیز در سوریه و آسیای صغیر دیده می‌شوند (بومون، ۸۲). از سوی دیگر، رودخانه‌های بزرگی همچون سیر دریا و آمودریا (سیحون و جیحون) یا تاریخ مشاهده می‌شوند که به دریاچه‌های بسته می‌ریزند و یا در شنهای بیابانی فرو می‌روند (اشمیدر، ۳۶۹-۳۷۰؛ نیف، ۲۱۶). شبکه‌های بزرگ رودخانه‌ای آسیا به بزرگ‌ترین جریانهای سطحی زمین تعلق دارند. این رودخانه‌های طویل از توده‌های

مرتفع کوهستانی سرچشمه گرفته، عمدتاً به سوی شمال، شرق و جنوب شرقی، به دریا‌های پیرامونی می‌ریزند (برونینگ، ۲۰).

آبدهی (دبی) رودخانه‌ها در آسیا با نوسانات شدید فصلی و سالانه همراه است (بومون،

۸۲-۸۳؛ کول، ۳۹). رودخانه‌های واقع در سیبری، در بخشی از سال یخ‌بسته و در بهار

و آغاز تابستان، به علت ذوب یخ و برف از جنوب به شمال، و رها شدن خشکی از

یخ‌بندان، باعث جاری شدن سیل می‌گردند (شاباد، ۲۲-۲۳). حداکثر آب تابستانی

رودخانه‌های آسیای جنوبی و شرقی به علت بارانهای موسمی است (بلنک، ۶۲). ۲

رودخانه دجله و فرات نیز در فصل بهار، باعث جاری شدن سیل می‌شوند و در پاییز

کم‌ترین مقدار آب خود را دارند (اشمیدر، ۷۴-۷۵).

آسیا دارای دریاچه‌های بسیاری است. از یک سو، دریاچه‌های بسته در چاله‌ها از جمله

خزر، آرال، دریاچه‌های واقع در استپهای قرقیزستان و نیز دریاچه‌هایی که دارای منشأ

تکتونیکی هستند (مانند دریاچه بالکال با عمق بیش از ۱۷۰۰ متر) مشاهده می‌شوند

(شاباد، ۲۳) و از سوی دیگر، دریاچه‌هایی که به سبب بسته شدن کناره‌های دره‌ای و یا

بسته شدن دلتاهای بزرگ رودخانه‌ای به وجود می‌آیند (مانند دریاچه واقع در دلتای

هوانگ‌هو، یانگ‌تسه کیانگ و مکونگ) جلب توجه می‌کنند. بالاخره می‌توان از

دریاچه‌های کوچک بسیاری که حفره‌های آتش‌فشانی خاموش را پُر کرده‌اند (مانند جاوه

و منچوری) نام برد (برونینگ، ۲۰).

پوشش گیاهی و حیات وحش: آسیا سهم عمده‌ای از انواع مناطق پوشش گیاهی جهان را داراست (نیف، ۲۱۸۹). از آنجا که نحوه پراکندگی و ویژگی پوشش گیاهی شدیداً به آب و هوا بستگی دارد، صرفاً در رابطه با مناطق آب و هوایی می‌توان از آن بحث کرد.

در خاورمیانه، می‌توان به‌طور کلی، مراتع طبیعی با درختچه‌های پراکنده و بوته‌های خاردار را به عنوان شاخص پوشش گیاهی طبیعی به شمار آورد (بومون، ۱۰۹؛

منشینگ، ۳۱). آب و هوای مرطوب جنگلی، تمامی قسمت‌های جزیره‌ای آسیای جنوبی را

در بر دارد. در اینجا، در تمامی فصول سال باران می‌بارد و آب و هوای ساوانای

مرطوب به وجود می‌آید که در این قسمت‌ها زیر عنوان اقلیم موسمی جنگلی خوانده

می‌شود (سینگ، ۴۲ به بعد). ساوانای خشک، بیش از هر جا در هندوستان مشاهده

می‌شود، حال آنکه در آسیای جنوب شرقی، به سبب ویژگی کوهستانی این منطقه، به

صورتی کامل قابل مشاهده نیست. ویژگی خاص پوشش گیاهی طبیعی در آسیای شرقی

چنین است که کمربند جنگلی شمالی در بالای جنگلهای سرسبز تابستانی، مستقیماً در

جهت کمربند جنگلی حاره قرار می‌گیرد، حال آنکه در جاهای دیگر، میان این ۲ کمربند

جنگلی، کمربند بیابانی و استپی قرار دارد. اگرچه در چین نیز استپهای بی‌درخت وسیعی

به جای پوشش گیاهی مشاهده می‌ود (ایست، ۳۶۰). به‌ویژه در جزایر ژاپن، انواع

درختان منطقه جنگلی حاره و شبه‌حاره قابل توجه هستند (و آن، ۳۲، ۳۳). در ناحیه

کمربند فشار زیاد شبه‌حاره که در آسیا در جهت شمال کشیده می‌شود، شکلیابی

استپها و بیابانها صرفاً در ارتباط با پراکندگی فصلی بارانهای ناچیز و درجه حرارت

است. مناطق وسیع بیابانی در آسیا، تنها به صورتی منفصل مشاهده می‌شوند و غالباً با مناطق استپی از یکدیگر جدا می‌گردند (شاباد، ۳۱).

در آسیای مرکزی و شمالی، پوشش گیاهی از بوته‌های خاردار و مقاوم در برابر نمک در قسمت بیابانی، جنگلهائی در بخشهای کم‌ارتفاع کوهها و نیز جنگلهای سوزنی برگ، در قسمت‌های مرتفع‌تر تشکیل می‌شود که در قسمت‌های شمالی، به مراتع و علفزارهای آلپی منتهی می‌گردند که پس از آنها، دره‌های لخت و یخچالها واقع شده‌اند (پوکشیشفسکی، ۱۹۵؛ کول، ۴۷).

در آسیای شرقی، پس از منطقه آب و هوای خشک، اقلیم جنگلی و سرد شمالی قرار دارد که در زمستانها خشک است و منطقه شمال چین و منچوری را نیز در بر می‌گیرد (ایست، ۳۶۰). قسمت عمده آسیای شمالی در منطقه اقلیم برفی و جنگلی سرد شمالی با جنگلهای مخلوط واقع است. پس از آن، به سمت شمال، این کمربند اقلیمی به منطقه توندرا منتهی می‌شود که در پی آن، جنگلهای سوزنی برگ تایگا قرار دارند (ایست، ۵۶۳ به بعد).

حیات وحش در قاره آسیا بسیار متنوع است. در شمال قاره، انواع خرگوش، روباه، خرس و گوزن قطبی وجود دارند. در قسمت‌های جنوبی تایگا، این انواع، متنوع‌تر است، از جمله گرگ، گوزن، آهو و مانند آن (برونینگ، ۷۷-۷۹).

در مناطق گرم آسیای نزدیک (خاورمیانه)، حیات وحش دارای ویژگیهای مدیترانه‌ای است (همو، ۱۱۰). در استپها و صحراهای بخش شرقی، انواع بز کوهی، اسب و همچنین

خر وحشی زندگی می‌کنند. در بخشهای مرتفع کوهستانی، گوسفند و بز وحشی، یوزپلنگ و مانند آن وجود دارند. در خاورمیانه و هندوستان، ببر، پلنگ، انواع خرس، سگ وحشی، انواع میمون، فیل، گوزن، بز کوهی و گاومیش و ضمناً در آسیای شرقی و جنوب شرقی گیبون، پاندا (خرس چینی) و دیگر جانوران زندگی می‌کنند (اشمیدر، ۲۰-۲۲).

#### بخش دوم - سابقه تاریخی

تمدنهای آسیایی: آسیا با ارائه نمونه‌هایی از هوموارکتوس نه تنها نمایانگر دوره های زندگی آغازین انسان است، بلکه بعدها صحنه روندهای تکامل جامعه‌های انسانی بوده است. قدیمی‌ترین یافته‌های مربوط به زندگی انسان، انسان جاوه (پیتک آنتروب) و انسان چین از آسیا بوده است (چایلد، ۳۵ به بعد). جمجمه بشری است و افزارهایی که همراه آن یافت شده‌اند، کهن‌ترین دست‌افزار انسانی به شمار می‌رود (دورانت، ۱۱۱/۱). دوران نوسنگی را عصر کشاورزی دانسته‌اند. در این دوران، در برخی نواحی آسیای نزدیک (خاورمیانه)، انسان از مرحله جمع‌آوری و شکار به مرحله کشت و اهلی کردن برخی جانوران، انتقال یافت (بلنیتسکی، ۶۲ به بعد). آسیا ضمناً گذار انسان از این مرحله به مراحل استفاده از فلزات مختلف بوده است. قدیمی‌ترین فلزی که مورد استفاده انسان قرار گرفته مس بوده است (چایلد، ۸۳ به بعد). این فلز در ۴۵۰۰ ق م در بین‌النهرین مورد استفاده بوده است (دورانت، ۱۲۵/۱). اختراع خط نیز مربوط به

آسیاست. قدیمی‌ترین نوشته‌ها مربوط به سومر (۳۶۰۰ ق م) و نواحی جنوبی بین‌النهرین و عیلام است (همو، ۱۲۸/۱).

آسیا، درواقع، خاستگاه و جایگاه زندگی اولیهٔ نژاد مغولی، سرزمین اصلی اسکیموها و سرخ‌پوستان و شاید حتی مهد نخستین انواع بشر امروزی (هموساپین) بوده است (چایلد، ۴۰-۴۱؛ برونیگ، ۳۷).

تاریخ آسیا، تاریخ فرهنگهای گوناگون است. در دوران باستان، تمدنهای آسیایی، به‌طور کلی، نمایانگر تضاد میان شیوهٔ زندگانی در فرهنگهای یکجانشین (چین، هند، ایران و بین‌النهرین) و اقوام کوچندهٔ ترکستان، ماوراءالنهر و عربستان بوده است (گروسه، ۹، ۱۰).



کهن‌ترین نشانه‌های تمدن خاورمیانه مربوطه به ۵۰۰۰ سال ق م است که در ایران - تپه‌حصارِ دامغان و تپه‌سینکِ کاشان - و در قسمتهای شمالی بین‌النهرین - تل حَلَف در خاپور - پیدا شده است (همو، ۱۱). آثار تمدنی مکشوفه در هند - پنجاب و موهنجودارو - نمایانگر تمدن شهری قابل توجهی است که در مقایسه با تمدن بین‌النهرین، اوج آن در ۲۸۰۰ تا ۲۵۰۰ ق م بوده است. ظاهراً، این تمدن از راه بلوچستان و شوش با دنیای سومر مربوط می‌شده است (همو، ۲۶). این آثار را کهن‌ترین آثار تمدن بشر دانسته‌اند (دورانت، ۱/۴۵۷).

در سده ۴ ق م، دولت هخامنشی ایران توسط اسکندر مقدونی فرو پاشید و همراه با آن فرهنگ یونانی (هلنیسم) به آسیای نزدیک (خاورمیانه) و ترکستان و حتی هندوستان راه یافت. بلنیسکی، ۱۰۰-۱۱۰؛ گروسه، ۴۲ به بعد). در مقابل، اندیشه‌های مذهبی در همین زمان از آسیا به سوی غرب جاری شد.

در سده‌های میانه، امپرانوری مغولان، بخشهای آسیای شرقی، آسیای مرکزی و خاورمیانه و حتی آسیای جنوب شرقی - بجز ژاپن - را به صورتی یکپارچه به زیر سلطه خود آورد (گروسه، ۷۹ به بعد). لشکرکشیهای تیمور حدود آغاز قرن ۹ ق/۱۵ م به حضور ترکها در صحنه آسیای نزدیک، نیروی تازه‌ای بخشید (همو، ۸۷-۸۸). تأثیر دستاوردهای فرهنگهای آسیایی در تکامل اندیشه‌های فلسفی و علمی اروپا - به‌ویژه در سده‌های میانه - غیرقابل انکار است (دورانت، ۱/۹۹۰-۹۹۴؛ راسل، ۲/۲۱۱-۲۲۶).

نژادها: تقریباً از همه نژادهای بشری در آسیا وجود دارد. نژاد مغولی، اروپایی، سیاه‌پوست و نژادهای استرالیایی. نژاد مغولی در آسیای جنوب شرقی، مرکزی و شرقی و نیز به صورت گروههای کوچکتر در آسیای جنوبی و خاورمیانه زندگی می‌کنند که خود به ۳ گروه نژادی تقسیم می‌شوند. نژاد اروپایی به صورت شاخه‌های جنوبی آن - ارمنی و هند و ایرانی - در آسیای جنوب غربی و شمال هند دیده می‌شوند. شاخه‌هایی از نچاد سیاه در آسیای جنوب شرقی و جنوب هند و نژادهای استرالیایی به صورتی پراکنده در آسیا زندگی می‌کنند (بروک، ۱۹۲).

زبانها: همان‌گونه که تقسیم‌بندی نژادی قاره آسیا به آسانی امکان‌پذیر نیست، دسته‌بندی زبانی آن نیز به سادگی عملی نمی‌باشد. وجود گروههای کوچک زبانی در مناطق حاشیهای این قاره، به پیچیدگی این چنین دسته‌بندی می‌افزاید. باتوجه به برداشتهای گوناگون زبان شناختی، می‌توان در آسیا به شاخه‌ها و گروههای زبانی مختلفی دست یافت (همو، ۱۹۱۹). در آسیای شمالی و مرکزی گروه زبانی اورال - آلتایی رواج دارد که خود به زیرشاخه‌های متعددی تقسیم می‌شود. در آسیای شرقی و جنوب شرقی گروه زبانی چینی - تبتی، در آسیای شمالی، ایران و هند، گروه زبانی هند و اروپایی، در آسیای جنوبی زبانهای دراویدی و در میان برخی کشورهای خاورمیانه زبانهای سامی با زیرشاخه‌های مربوط به خود رواج دارد (برونینگ، ۴۱-۴۲). پیچیدگی و تنوع زبانی بیش از همه‌جا در آسیای جنوبی و جنوب شرقی (همو، ۴۲) مشاهده می‌شود. در آسیای

جنوبی برای دسته‌بندی زبانی، شاخه‌های عمده را به ۱۵ دسته تقسیم می‌کنند (بلنک، ۷۹ به بعد).

گروهها و زیرشاخه‌های زبانی در آسیا را می‌توان به صورت جدول صفحه بعد نشان داد.

زبانهای دراویدی در آسیای جنوبی (تامیل، تولو، تلگو و مانند آن) از جمله زبانهایی هستند که مانند برخی زبانهای استرالیایی - آسیایی (موندا، مون‌خمر و خاصی) کمتر با زبانهای دیگر امتزاج یافته‌اند (برونینگ، ۴۱).

آشنایی اروپائیان با آسیا: در فرهنگهای کهن آسیا از زمانهای دور، اطلاعات نسبتاً وسیعی از این سرزمین و همسایگان آن وجود داشته است (همو، ۲۰)، اما آشنایی اروپاییان با مردم و سرزمین آسیا به دوره‌های بعدی مربوط می‌گردد که می‌توان آن را بع ۳ دوره مشخص تقسیم نمود:

دوره اول: این دوره به سده‌های نخستین میلادی تا اوایل سده‌های میانه مربوط می‌شود. در این دوره، یونانیان و اقوام آسیای صغیر، از طریق تماسهای غیرمستقیم و نیز سفرهایی به سرزمینهای باستانی آسیای نزدیک (خاورمیانه)، اطلاعاتی درباره آنها و مردمانشان به دست آوردند. این اطلاعات، گذشته از زمینه رفع نیازهای عادی و روزمره، در زمینه علمی نیز به صورتی منظم مورد استفاده وسیع قرار گرفتند (همو، ۲۱). از آن میان می‌توان به اطلاعات هرودت، استرابون (۶۳ ق م - ۲۳ م) و بطلمیوس

قلوژی (۱۰۰-۱۷۰م) که تمامی اطلاعات جغرافیایی زمان خود را یکجا گرد آوردند، اشاره کرد (اشمیت هوزن، ۴۰ به بعد).

گسترش معلومات در مورد آسیا به صورتی چشمگیر به لشکرکشی اسکندر به کشورهای ایران، توران، و هندوستان مربوط می‌شود. در این میان، نقش رومیها در مورد معرفی آسیا بسیار ناچیز است. با توجه به علاقه رومیها به کالاهای آسیای جنوبی و شرقی، هیپالوس تاجر یونانی در حدود ۵۰م توانست با استفاده از بادهای موسمی از طریق دریا به هندوستان سفر کند و از آن زمان این مسیر مورد توجه قرار گرفت. در دوره قیصر مارک اورل، یعنی در ۱۶۵م، یک هیأت رومی از راه دریا توانست تا چین سفر کند (برونینگ، ۲۱).

تجزیه امپراتوری روم، کشمکشهای مربوط به مهاجرت‌های تاریخی اقوام، ویژگیهای زندگی در روم شرقی و سپس ظهور اسلام، دوره اول ارتباط اروپاییان با مردم آسیا را خاتمه داد (همانجا).

دوره دوم: گسترش اسلام در سده ۷م و مسلط شدن مسلمانان بر راههای دریایی، رونق تجارت میان اروپا و هند را مختل ساخت (کاهن، ۲۷۶)، این دوره، جنگهای صلیبی را به دنبال داشت. در آغاز، این برخوردها باعث شد تا اروپاییان اطلاعات خود از خاورمیانه را مورد بازبینی قرار داده و تکمیل نمایند (برونینگ، ۲۱). اما، با اینهمه، اروپاییان نتوانستند آن‌طور که باید از اطلاعات جغرافی دانان اسلامی - که دانششان بر پایه اطلاعات بطلمیوس و سپس یافته‌های نو بر اثر گسترش اسلام در آسیای جنوبی و

آسیای میانه استوار بود - بهره‌گیری کنند. دستیابی به این دانش، اگرچه در سده‌های بعدی و پایان سده‌های میانی از طریق مسافرت‌های بیشتر اروپاییان به دست آمد (اشمیت هوزن، ۴۹-۵۴)، اما بازبینی دانسته‌های کهنه و دسترسی به اطلاعات نو، از طریق حکومت مرکزی سازمان‌یافته مغولها در سده ۷ق/۱۳م حاصل شد (برونینگ، ۲۲). وحشت اروپاییان از حمله مغولها، ایشان را به جلب دوستی و هم‌پیمانی با آنان کشاند. این شرایط باعث شد تا هیأت‌هایی از جانب اروپاییان در سده‌های ۷-۸ق/۱۳-۱۴م با مغولها تماس برقرار کنند. حاصل این تماسها، سفرنامه‌هایی بود که اطلاعات دست اول و وسیعی از آسیا برای اروپاییان به ارمغان آورد. این اطلاعات باعث گردید تا دانسته‌های ناقص و نادرست اروپاییان اصلاح گردد (ویلتس، ۹، ۱۰).

تاجرهای سرزمینی که امروزه ایتالیا نامیده می‌شود، از زمانهای پیشتر، در حدود مناطق پیرامون دریای سیاه، با کمک اعراب به تجارت کالاهای آسیایی و وارد کردن آنها به اروپا مشغول بودند، در این دوره به فکر گسترش تجارت خود افتادند و بدین‌سان، تجار ونیزی به سوی قسمتهای آسیای مرکزی و آسیای شرقی به راه افتادند. در میان این تجار، خانواده پولو نیز حضور داشتند. نیکولو پولو در سفر دوم خود (۶۷۴ق/۱۲۷۵م)، برادر و نیز پسر خود مارکو را به همراه داشت. این سفر به آسیای شرقی مدت ۱۷ سال طول کشید (همو، ۱۵۱). مارکو پولو هنگامی که در ۶۹۰ق/۱۲۹۱م از راه دریا، چین را ترک می‌کرد، اطلاعات وسیع و ارزنده‌ای از شرق و به‌ویژه امپراتوری چین داشت که

بعدها در زندان به صورت کتابی درآمد که اگرچه با ناباوری بسیاری روبه‌رو شد، اما در گسترش اطلاعات اروپاییان نسبت به شرق، نقش مهمی ایفا کرد.

در این زمان، کلیسا نیز به سبب گسترش اسلام، کوششهای خود را در زمینه ارتباط با آسیا توسعه داد (همو، ۱۵۶) و در همین زمان سر اسقفی برای کلیسای چین منصوب شد (همو، ۱۶۷). این شخص /ان دومونته کورونو بود که در آسیا گروه زیادی را به دین مسیح درآورد (همو، ۱۶۵).

به هنگام فروپاشی امپراتوری مغولان در ۱۳۶۸/ق ۷۶۹م تغییر عمده‌ای به وقوع پیوست و سپس بازگشت سلسله مینگ (۷۶۹-۱۰۵۴/ق ۱۳۶۸-۱۶۴۴م) به حکومت باعث شد تا

گروههای تبشیری و بیگانگان مورد بدبینی قرار گرفته و بدین‌سان دروازه‌های چین به روی دنیای خارج بسته شود. بدین ترتیب، رابطه اروپاییان با آسیای شرقی برای مدتی

قطع شد (همو، ۱۹۸، ۱۹۹). با اینهمه، فرستادگان و مبشران مسیحی به عنوان پیشگامان

اروپایی شناخت آسیا، وی/گیهای واقعی این قاره و دستاوردهای بسیاری را برای غربیان به ارمغان بردند (همو، ۲۰۴). از سوی دیگر، فزونی قدرت عثمانی و گسترش

سلطه آن در غرب از طریق فتح قطرنزیه در ۱۴۵۳/ق ۸۵۷م و تصرف مصر در

۱۵۱۷/ق ۹۲۳م، تماس مستقیم اروپاییان را با آسیای جنوبی و شرقی مختل ساخت

(بروکلمان، ۲۵۶-۲۹۵). از همین دوره است که اروپاییان به واسطه نیاز به آسیا و بسته

بودن و پرخطر شدن راههای زیرزمینی، به راههای دریایی روی آوردند. این دوره،

سومین مرحله تماس اروپا و آسیا را تشکیل می‌دهد (ایست، ۹-۱۰).



شالوده سفرهای تجارتی در این دوره، بر یافتن راههای دریایی به هندوستان استوار بود (کاهن، ۲۷۶). اروپاییان در این زمان، با استفاده از اطلاعات جغرافی دانان اسلامی و تعلیمات جغرافی دانان یونانی، متوجه کروی بودن زمین شدند و بدین سان اسپانیاییها از طریق غرب و پرتقالیها از طریق شرق، به منظور یافتن راهی دریایی، به سوی چین و هند به راه افتادند (ماله، ۲، ۳).

در این دوره در زمینه یافتن راههای آسانتر سفر به آسیا، اقدامات مهمی به وقوع پیوست: دور زدن آفریقا و رسیدن به جنوب غربی هند توسط واسکوداگاما در ۱۴۹۶م/ق (اشمیت هوزن، ۶۰) و اندازه گیری پیرامون زمین توسط ماژلان در

۱۴۹۶م/ق (دورانت، ۴۴۹/۱۸). گسترش تجارت پرتقالیها در هند، باعث از رونق افتادن تجارت مسلمین شد (برونینگ، ۲۳). در طول چند سده، سواحل هند، سیلان، مالاکا و جزایر ادویه به صورت یک شبکه ایستگاههای تجاری درآمد (گروسه، ۱۲۲). در ۱۴۹۶م/ق پرتقالیها به سواحل چین رسیدند و در نیمه دوم سده ۱۵م در ژاپن نیز به موفقیتهایی دست یافتند. در ۱۵۵۸م ماکائو توسط پرتقالیها اشغال شد و به صورت مرکز تجارت با چین درآمد (کاهن، ۲۷۶-۲۷۷).

به دنبال فعالیت‌های پرتقالیها، یسوعیان نیز به چین راه یافتند. اهمیت اینان در این بود که مردم سده‌های ۱۱-۱۲م/ق ۱۷-۱۸م اروپا را با دستاوردهای آسیای شرقی، از جمله کاغذ و چینی، آشنا ساختند و ضمناً با انتقال فرهنگ چینی، نقشی ویژه در دوره روشنگری به عهده گرفتند (برونینگ، ۲۴). به طور کلی، می‌توان گفت، این دوره با بهره‌گیری اروپاییان

از دستاوردهای فرهنگی آسیا مشخص می‌گردد (دورانت، ۱/۹۹۰-۹۹۴). با اینهمه، آشنایی اروپاییان با آسیا در این دوره نیز محدود به نقاط نزدیک به سواحل بود (برونینگ، ۲۴).

در سده ۱۱ق/۱۷م، تحقیقاتی به‌ویژه در مورد اقیانوس آرام شروع گردید که در ارتباط مستقیم با آسیا و گسترش سلطه قدرتهای بزرگ آن زمان بود (کاهن، ۲۷۸-۲۸۰). با اینهمه، تا قرن ۱۹ سرزمینهای داخلی آسیا، به‌ویژه آنهایی که زیر نفوذ چین بودند، برای اروپاییان ناشناخته ماندند. این نواحی عبارت بودند از برخی نواحی در چین و ژاپن در شرق و نیز شبه‌جزیره عربستان در جنوب غربی قاره (برونینگ، ۲۵-۲۶). در

سده ۱۳ق/۱۹م بسیاری از این نقاط با حمله نظامی گشوده شد، اگرچه در نیمه دوم قرن ۱۹ هنوز هند انگلیس و هند شرقی هلند، مستملکات ایده‌آل اروپاییان به شمار می‌رفت. در همین دوره، توجه اروپاییان به نقاط آسیای مرکزی که تا آن طمان برای ایشان ناشناخته مانده بود، معطوف گردید. بدین‌سان، در آغاز سده ۲۰، نقاط نامشخص نقشه آسیا برای اروپاییان معین و معلوم گردید، هرچند هنوز مسائل بسیاری در شناخت آسیا باقی است.

#### بخش سوم - تقسیمات و مسائل اجتماعی - اقتصادی

قاره آسیا را معمولاً بنابر ملاحظات خاص، به قسمتهایی چند تقسیم می‌کنند. به همین علت، این تقسیمات در منابع مختلف، متفاوت است (نیف، ۲۲۰؛ برونینگ، ۵۱-۵۸). در این میان، اصطلاح «آسیای میانه یا مرکزی» که اصطلاحی جدید است، بیشتر جنبه‌ای

سیاسی دارد و حتی موقع جغرافیایی آن مورد اختلاف است (بلنیتسکی، ۳۷ به بعد). برخی به جای آن، اصطلاح خراسان بزرگ و ماوراءالنهر را پیشنهاد می‌کنند (همو، ۱۰-۲۳). همچنین لفظ آسیای نزدیک و خاورمیانه و حدود جغرافیایی آن نیز مورد اختلاف است (منشینگ، ۱۱-۲۰).

با توجه به ملاحظات عمومی، می‌توان آسیا را به قسمتهای زیر تقسیم نمود: آسیای شمالی، آسیای مرکزی، آسیای شرقی، آسیای جنوب شرقی، آسیای جنوبی و آسیای نزدیک (خاورمیانه).

آسیا از نظر اجتماعی - اقتصادی نیز مانند سایر جنبه‌ها، نمایانگر تنوع شدیدی است. بسیاری از قسمتهای این قاره به سبب ویژگیهای افراطی آب و هوایی و یا اشکال ناهمواری، از نظر اقتصادی به آسانی قابل بهره‌برداری نیست (برونینگ، ۵۰). از سوی دیگر، درجه رشد اجتماعی میان اقوام و ملل مختلف این قاره، تفاوت‌های آشکاری را نشان می‌دهد. بسیاری از اقوام ساکن جزایر کوچک و دورافتاده و مناطق داخلی در آسیای شرقی و جنوب شرقی و نیز برخی قبایل در هندوستان، و داهای سیلان و بسیاری از اقوام جزایر اندونزی، در مراحل اولیه زندگی اجتماعی به سر می‌برند (برو: ۱۸۲-۱۸۳)، حال آنکه جوامع دیگری که در رأس آنها ژاپن قرار دارد، به پیچیده‌ترین دانشهای فنی دست یافته‌اند.

بدین‌سان، آسیا از لحاظ اقتصادی - اجتماعی ساختارهای بسیار متفاوتی را در بر می‌گیرد: کشورهای بسیار صنعتی مانند ژاپن، کشورهای غنی از نظر مواد خام مانند

کویت و ممالک عقب‌مانده از نظر اقتصادی نظیر بنگلادش، در بسیاری از کشورهای آسیایی، رشد و توسعه اقتصادی با رشد جمعیت همگام نیست. به عنوان نمونه، در خاورمیانه، تولید زراعی طی دهه ۱۹۷۳-۱۹۸۲م به میزان ۳۳٪ افزایش داشته است، اما باتوجه به تولید سرانه، افزایش چندان در این زمینه مشاهده نمی‌شود. از سوی دیگر، نه تنها حجم صادرات تولیدات کشاورزی در این منطقه طی این مدت ۵٪ کاهش یافته، بلکه به میزان واردات این نوع تولیدات ۱۶۹٪ افزوده شده است («اطلس جهانی اقتصاد»، ۱۵۹/۲). گذشته از این، بسیاری از ممالک این قاره با مشکلات ناشی از حوادث طبیعی، مانند سیل و خشکسالی و نیز رویدادهای سیاسی درگیر هستند.

کشاورزی هنوز منبع تأمین معاش غالب مردم در اکثر کشورهای آسیایی است. در آسیای جنوبی، جنوب شرقی و شرق، حدود ۶۲٪ از جمعیت فعال در بخش کشاورزی فعالیت دارند که این میزان در نپال به حداکثر یعنی ۹۳٪ و در کره جنوبی به حداقل خود یعنی ۴۰٪ می‌رسد. سهم کشاورزی در تولید ناخالص ملی کشورهای این منطقه ۳۴٪ است (همان، ۱۶۸). این مقادیر در سایر کشورها متفاوت است. در افغانستان، ۷۸٪ از جمعیت فعال از طریق کشاورزی زندگی می‌کنند و سهم زراعت در تولید ناخالص ملی به ۵۳٪ می‌رسد، حال آنکه این مقدار در ترکیه ۲۵٪ و در عربستان به ۲٪ تولید ناخالص ملی بالغ می‌گردد (همان، ۱۵۹).

با همه دگرگونی‌هایی که در کشورهای آسیایی پدید آمده است، هنوز بهره‌گیری از شیوه‌های قدیمی کشت و آسب‌پذیری محصولات زراعی در برابر ناملايمات طبیعی

ویژگی بارز فعالیت کشاورزی است. البته، بازده تولید در هکتار در برخی کشورهای آسیایی از طریق کاربرد کود شیمیایی، گسترش آبیاری، ماشین‌آلات و همچنین در نتیجه اصلاحات ارضی بهبود یافته است.

با آنکه بعضی از کشورهای آسیایی در رابطه با تولید برخی محصولات کشاورزی در مقایسه جهانی به عنوان تولیدکننده اصلی به شمار می‌آیند، قادر به تأمین نیازهای خود نیستند و در نتیجه، در فهرست واردکنندگان اصلی همان محصولات قرار دارند. در این زمینه، می‌توان تولید برنج را ذکر کرد. کشورهای آسیایی در ۱۹۷۹-۱۹۸۰م بیش از ۳۰۹/۲ میلیون تن از حدود ۳۷۴/۹ میلیون تن تولید جهانی را به خود اختصاص

می‌دادند، حال آنکه مثلاً اندونزی در همین سال به عنوان سومین تولیدکننده جهانی این محصول، بزرگ‌ترین واردکننده برنج به شمار می‌رفت (همان، ۹). چین به عنوان سومین تولیدکننده جهانی گندم در همین سال («آمار جهانی»، ۲۲۹)، یکی از واردکنندگان عمده این محصول در سطح جهان به شمار می‌رفت (همان، ۲۳۰).

استخراج مواد معدنی در آسیا از اهمیتی خاص برخوردار است. غنی‌ترین منابع نفت جهان، در خاورمیانه، آسیای جنوب شرقی، چین و بخش آسیای شوروی قرار دارند. تنها در منطقه خلیج فارس، حدود ۶۰٪ از منابع نفت و ۲۵٪ از ذخایر جهانی گاز وجود دارد («اطلس جهانی اقتصاد»، ۱۶۴/۲). ذخایر نفتی در اندونزی ۱/۵ درصد و در چین بیش از ۳ درصد از منابع جهانی است (همان، ۱۸۴). بسیاری از منابع نفتی اتجاد جماهیر

شوروی - به عنوان بزرگترین تولیدکننده نفت جهان در بخش آسیایی آن واقع است (همان، ۸۱-۸۴).

از این گذشته، منابع عظیم ذغالسنگ، سنگ آهن و منگنز به‌ویژه در بخش آسیایی شوروی، چین و هند وجود دارد (همان، ۱۸۰، ۱۸۱). بزرگترین صادرکنندگان قلع در جهان، مالزی، اندونزی و تایلند هستند (همان، ۱۸۸).

در دو دهه اخیر، تولید صنعتی - به‌ویژه صنایع سنگین - در آسیا به پیشرفتهایی رسیده است. مراکز صنعتی این قاره در بخش آسیایی شوروی، جمهوری خلق چین، هند، هنگ‌کنگ و به‌ویژه در ژاپن قرار دارند. در کنار این مراکز می‌توان از سنگاپور، کره شمالی و کره جنوبی و تایوان نیز نام برد.

قدرت تجاری اصلی در آسیا ژاپن است. این کشور ۹۵٪ از تولید مصنوعات این قاره را به خود اختصاص داده است. در ۱۹۸۲م، ژاپن دومین تولیدکننده جهانی فولاد، اولین تولیدکننده جهانی اتومبیل سواری، دومین تولیدکننده جهانی ویاسط نقلیه، بزرگترین سازنده جهانی کشتی و سازنده و عرضه‌کننده بسیاری دیگر از تولیدات صنعتی جهان بوده است («آمار جهانی»، ۱۴۷، ۱۴۸). پس از ژاپن، هند، کره جنوبی، تایوان و هنگ‌کنگ قرار دارند.

کشورهای آسیایی از نظر برخورداری از سطح آموزش و بهداشت، میزان اشتغال، رفاه اجتماعی و درآمدها، تفاوت‌های آشکاری را چه در سطح کشوری و چه در مقایسه با دیگر کشورها، نشان می‌دهند (میردال، ۲۹۳ به بعد).



ساختار سنی طبقاتی در برخی کشورهای آسیایی، به‌ویژه در هندوستان، هنوز پابرجا است که خود از موانع جدی توسعه به شمار می‌رود (دورانت، ۱/۶۷۰-۶۹۸). در آسیا، به‌طور کلی، هرچا زمین زراعی در دسترس است، جمعیت انبوهی گرد آمده‌اند و پرجمعیت‌ترین مراکز انسانی، بر این اساس، در نزدیکی رودخانه‌های بزرگ و سواحل واقع است (میردال، ۵۹ به بعد). رشد جمعیت نیز در آسیا در مقام مقایسه بسیار بالا است. در اندونزی، پاکستان، هند، برمه، فیلیپین و نپال، میزان رشد جمعیت ۴ تا ۵٪ سالانه است. متوسط این مقدار برای تمامی قاره، برابر با ۳٪ است (ولتی، ۲۷).

در کنار عوامل طبیعی، عوامل اجتماعی نیز باعث تشدید مشکل تأمین مواد غذایی لازم برای این جمعیت رو به تزاید در آسیاست. بدین‌سان، بسیاری از آسیاییها در مرز گرسنگی به سر می‌برند (همو، ۲۹).

ویژگیهای کشورهای آسیایی: جدول ۱ ویژگیهای عمومی کشورهای آسیایی را به تفکیک به نمایش می‌گذارد (نک ص ۳۸۸).

اسلام و سایر مذاهب: آسیا مهد و خاستگاه اکثر ادیان جهان است. در کنار ادیان بزرگ، گرایشهای مذهبی فرقه‌ای متعددی در این قاره وجود دارند که برخی از آنها بومی و بعضی دیگر توسط مهاجرین و مهاجمین انتشار یافته‌اند. گرایشهای مذهبی آسیا از معتقدات مبتنی بر انیمیسیم و شینتویسیم براساس اعتقاد به ارواح گوناگون تا مذاهب جهانی مانند اسلام، مسیحیت و یهودیت براساس ایمان به آفریدگار یکتا، تفاوت می‌کنند.

آیین زرتشت، مانی، آیینهای مذهبی برهمنی، هندویی، بودایی، لامایی و کنفوسیوسی نیز از دیگر نظامهای دینی آسیا به شمار می‌روند (گروسه، ۲۸ به بعد؛ برونینگ، ۴۳-۴۸).

اسلام به عنوان دین آسمانی، از نظر شمارهٔ پیروان در آسیا، نه تنها تمامی کشورهای آسیای مرکزی و نزدیک (خاورمیانه) را در بر می‌گیرد، بلکه ضمناً در پاکستان و اندونزی نیز دین اکثریت اسلام است. در هندوستان، جاوه، سوماترا و نیز سرزمینهای حارهٔ آسیا نیز پیروانی دارد، تا آنجا که اسلام را به عنوان عنصر مسلط و تعیین‌کنندهٔ شرق به شمار آورده‌اند (برونینگ، ۴۷).

گسترش اسلام در آغاز با سرعتی خاص صورت پذیرفت، تا آنجا که در مدتی کوتاه، پس از فتح شام و فلسطین (آرنولد، ۳۵ به بعد)، توانست تمامی امپراتوری ساسانی (اشپولر، ۱۹-۲۲) و تمامی ولایات امپراتوری بیزانس (بجز قسمتهای غربی آسیای صغیر) را به زیر نفوذ خود درآورد (کاهن، ۷).

تسلط اعراب بر اقوام و ملل دیگر، برخلاف تسلط ژرمنها و مغولها، باعث از بین رفتن ویژگیهای قومی اعراب نشد، بلکه نواحی فتح شدهٔ بسیاری همچون سوریه و بین‌النهرین را کاملاً تحت تأثیر این ویژگیها قرار داد، تا آنجا که زبان عربی، زبان رسمی و مسلط این نواحی گردید (بارتولد، فرهنگ و تمدن مسلمانان، ۳۷). البته، در این میان، تأثیر تمدنهای دیگر در فرهنگ اسلامی را نمی‌توان نادیده گرفت (مطهری، ۸۰ به بعد، ساندرز، ۱۹۰-۱۹۵)، تا آنجا که برخورد میان فرهنگهای قدیمی آسیا باعث تقویت دستگاه اداری و فلسفی و پربار شدن تمدن اسلامی گردید (راسل، ۲/۲۱۳، ۲۱۴).

علاوه بر این، توسعه زندگی شهری باعث رونق تجارت داخلی و خارجی، چه از طریق راههای دریایی و چه راههای خشکی گردید. تجارت دریایی با هندوچین، وضع جزیره هرمز و کیش را دگرگون کرد (بارتولد، فرهنگ و تمدن مسلمانان، ۱۰۸). همچنین تجارت با ترکها باعث ورود و گسترش دین اسلام در میان ایشان و برخی نواحی ترکستان شد (همان، ۱۰۹). ترکهایی که در قرن ۴ق/۱۰م کشورهای اسلامی را تصرف کردند، مسلمان بودند. بعد از همین دوره است که تجار مسلمان، تجارت خود را به سوی شرق توسعه دادند. در اوایل سده ۷ق/۱۳م تجارت میان چین و مغولستان در دست تجار مسلمان بود (همان، ۱۱۰). گذشته از برخوردهای نظامی با ترکان (باسورث، ۱۰ به بعد؛ بارتولد، گزیده، ۲۶۵-۲۶۷)، نقش مبلغان اسلامی، از جمله انتشار مجموعه‌ای از آثار منظوم و منثور دینی به زبان ترکی، در در گسترش اسلام در میان ترکها بی‌تأثیر نبوده است (بارتولد، فرهنگ و تمدن مسلمانان ۱۲۱؛ آرنولد، ۱۸۴ به بعد). پس از مدتی کوتاه ترکستان شرقی - کاشغر و ختن و یارکند - نیز تحت نفوذ اسلام درآمد (بارتولد، گزیده، ۷۹). الحاق ترکستان به قلمرو خلافت، تمامی جنبه‌های زندگی محلی را دگرگون ساخت (همان، ۳۱۷). البته نفوذ اسلام در ترکستان شرقی به صورتی صلح‌جویانه صورت پذیرفت (اشمیدر، ۳۴۵).

ورود اسلام به هندوستان، با حمله کم‌اهمیتی در ۴۴ق/۶۶م به مولتان، در غرب پنجاب، آغاز شد. در طول ۳ سده بعد، حملات دیگری به هند صورت گرفت که در نتیجه آنها،

مسلمانان در درهٔ سند مستقر شدند (گروسه، ۷۳). اگرچه، استقرار واقعی مسلمانان در هند، در پایان سدهٔ ۱۰/ق صورت پذیرفت (دورانت، ۵۲۳/۱). امروزه، اسلام در شبه‌قارهٔ هند، در میان ادیان آسمانی، بیشترین پیروان را دارد. هرچند مسلمانان هندوستان، ویژگیهای خود را دارند (اشمیدر، ۳۱۳)، اما تفاوت‌های فرهنگی - مذهبی اسلام و آیین هندویی، باعث تقسیم این سرزمین شد. امروزه، پاکستان و بنگلادش تا ۹۰٪ مسلمان هستند و در درهٔ سند و بخش پاکستانی پنجاب، مسلمانان تا ۹۷٪ از جمعیت را تشکیل می‌دهند (همانجا). مطابق سرشماری ۱۹۷۱م، بیش از ۱۱٪ یعنی حدود ۶۱/۴ میلیون نفر از مردم هند مسلمان بودند (آمار جهانی، ۱۴۱) و این خود نشان می‌دهد که علیرغم تقسیم این شبه‌قاره به هندوستان و پاکستان و بنگلادش، هنوز مسألهٔ مذهبی به صورتی جدی مطرح است (بلنک، ۹۵). البته بجز در کشمیر و جزایر لاکادیو، مینی‌کودی و آمین دیوی، در هیچ نقطهٔ دیگری از هند، مسلمانان اکثریت ندارند (همان، ۹۶).

گروه خاصی از شیعیان در سری‌لانکا دیده می‌شوند که به مورهای سیلان موسومند. ایشان از اعقاب دریانوردان عرب و هندی به شمار می‌روند (همانجا). اسلام از طریق هندوستان و عمدتاً توسط تاجران میانه حال به اندونزی راه یافت (کاهن، ۳۰۴-۳۰۵). این دین در اواسط سدهٔ ۱۲/ق در سوماترا و در پایان سدهٔ ۱۴/ق در جاوه پذیرفته شد (کاهن، ۳۰۸-۳۰۹؛ آرنولد، ۲۶۶-۲۸۸). با وجود آن که حداقل از اواسط سدهٔ ۸/ق، مسلمانان در چین می‌زیستند (کاهن، ۲۸۸ به بعد)، اسلام در این سرزمین

توسعه چندانی نیافت، تا جایی که غالب مسلمانان امروزی این کشور، چینی اصیل نیستند (دورانت، ۱/۸۵۳).

نفوذ اسلام در آسیای شرقی و جنوب شرقی نیز عمدتاً از طریق ارتباط تجاری و تبلیغی صورت پذیرفت. در چامپا، در نزدیکی ساحل مرکزی ویتنام، اسلام در اواخر سده ۱۰ ق/م راه یافت و مسلمانان کامبوج باید از اعقاب اینان باشند (کاهن، ۲۹۳-۲۹۴). بررسی شجره‌نامه‌ها، در آسیای جنوب شرقی، نحوه نفوذ اسلام به این قسمت‌های آسیا و به‌ویژه فیلیپین را روشن می‌سازد (توکلی، ۴۲ به بعد). مسلمانان فیلیپین عمدتاً در ۲ منطقه زندگی می‌کنند: مجمع‌الجزایر سولو، پالاوان جنوبی و میندانائوی جنوبی (کاهن، ۳۲۰).

امروزه در برمه ۳٪ اهالی، در مالزی (دین رسمی) ۳/۴ جمعیت، در سنگاپور، در جنوب تایلند، در اندونزی (بیش از ۹۰٪) و در فیلیپین (۱/۴ میلیون نفر در ۱۹۷۰م) مسلمانند (آمار جهانی، ۱۲۳-۱۶۸).

در بخش آسیای شوروی، آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز، مسلمانان در جماهیر قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، آذربایجان، ازبکستان و قزاقستان و جمهوریهای خودمختار داغستان، چچن اینقوش، تاتار، باشقیر، کاباردینو بلغار و قراقالپاق و نیز برخی نواحی دیگر زندگی می‌کنند. مردم قزاقستان، در این میان، در سده ۱۳ ق/م ۱۹ اسلام آورده‌اند (امین، ۶؛ آرنولد، ۱۸۳). با وجود عدم دقت آمارهای موجود، می‌توان

گفت، جمعیت مسلمان بخش آسیایی اتحاد جماهیر شوروی به حدود ۵۴ میلیون نفر

(۱۹۸۲م) می‌رسد (آمار جهانی، ۸۲-۸۷).